

## شوق وصل؛ حدیث آرزومندی

### گونه شناسی زیارت های انتظار، بررسی موردی زیارت آل یاسین\*

حمید عباسزاده<sup>۱</sup>

احمد محمدیان<sup>۲</sup>

#### چکیده

زیارت، آیین یادگار پیشوایان دین و سیرروحي آکنده از آموزه های اعتقادی، عرفانی، و اخلاقی است، که بخشی از ادبیات آیینی مسلمانان را شکل می دهد. هدف این نوشتار توصیفی-تحلیلی، شناخت نوع ادبی زیارت است و بدین منظور، زیارت آل یاسین به را به صورت موردی بررسی نموده است. ضرورت تحلیل گونه شناختی متون اسلامی از این جا سرچشمه می گیرد که خواننده با شناخت نوع ادبی، متن و لایه های آن را دقیق تر دریافت و تأویل می کند. سیر پژوهش ها در ادبیات اسلامی نشان می دهد تحلیل محتوای زیارت، بیش از مطالعه شکلی و ساختاری آن، وجهه همّت گذشتگان بوده است. در این پژوهش پس از بررسی نظری مقوله گونه ادبی و معرفی مؤلفه های آن، و مفهوم شناسی «زیارت»، زیارت آل یاسین، معرفی شده و به لحاظ گونه ادبی بررسی شد. براین اساس زیارت از دو پیوند دو نوع ادب غنایی و تعلیمی شکل گرفته است. مؤلفه های متن زیارت با هم ارتباط طولی و عرضی و زبان ساده و در عین حال شورانگیز، زائر را در یک سیرروحي و معرفتی تا آستان دوست پرواز می دهند.

#### واژگان کلیدی

زیارت، زیارت آل یاسین، انواع ادبی، ادب غنایی، ادبیات تعلیمی.

\* تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۲۲

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد، ایران (نویسنده مسئول) (HamidAbbaszadeh@hotmail.com).

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی و مدرس جامعه المصطفی واحد استان گلستان، گرگان، ایران.

نوع یا گونه در اصطلاح فرانسوی آن ژانر ادبی (Genre) شاخه‌ای از نقد است که به دسته‌بندی آفرینش‌های ادبی از لحاظ ماده و صورت در گروه مشخص می‌پردازد. یکی از تقسیم‌های رایج انواع ادبی شکل زیر است:

۱. غنایی، مانند: قصیده و غزل؛ ۲. حماسی، مانند: شاهنامه فردوسی؛ ۳. هجایی: طنزها و استهزاءها، مانند: آثار عبید زاکانی؛ ۴. روایی: مانند توصیفات و آثار وصفی؛ ۵. تعلیمی: آثار مربوط به پندها و اخلاق (شمیسا، ۱۳۷۸ ش: ۴۵).

البته مطالعه انواع ادبی با دسته‌بندی آن پایان نمی‌پذیرد؛ بلکه از نگاه جان‌تاتان کالر ثمره آن «مجموعه معیارهایی است که خواننده را در تشخیص کارکردهای مؤلفه‌های مختلف اثر ادبی یاری می‌دهند». (تودوروف و کنت و آخرون، ۱۹۹۷ م: ۵۷) نظریه این نقش کلیدی در فرآیند خوانش و دریافت اثر ادبی، گونه‌شناسی اهمیت می‌یابد. گونه‌شناسی سنتی به دنبال یافتن پاسخ برای پرسش عمده ذیل بوده:

۱. چگونه یک گونه ادبی از گونه‌ای دیگر متمایز می‌شود؟ ۲. سیر دگرگونی آثار ادبی چگونه است؟ اما گونه‌شناسی امروز خود را در برابر مشکلات تأویل متن همچون: دریافت خواننده و ادبیت نیز مسؤول می‌داند. به عبارت روشن‌تر گونه‌شناسی در پی آن است که چیستی متن، چرایی وجود خوانش‌ها و دریافت‌های گوناگون و چگونگی دگرگونی دریافت‌های متفاوت در بستر زمان را دریابد (همان).

مبنای تاریخی، تنها سنجه اسلامیت آفرینش‌های ادبی پس از ظهور اسلام نیست؛ چه این که انبوهی از آفرینش‌های ادبی پس از اسلام مانند: خمیه‌ها و هجویه‌ها و غزل‌های مذکر، با آموزه‌های اسلامی منافات دارند. در حقیقت ادبیات اسلامی، جریانی فکری - ادبی به شمار می‌رود که از اندیشه توحیدی اسلام سرچشمه می‌گیرد و ارزش‌هایی همچون: یکتاپرستی، آزادگی، ظلم‌ستیزی، اخلاق‌پسندیده، نفی خودکامگی و هواپرستی را فریاد می‌کند تا آدم خاکی را به بلندای افلاک پرواز دهد. گذشته از قرآن کریم، گونه‌هایی همچون: مناجات، زیارتنامه و دعا، برجسته‌ترین قالب‌های ناب نماینده ادب اسلامی‌اند.

به نظر می‌رسد پندار ناروا درباره ناچیزی عیار ادبی برخی متون اسلامی، مایه بی‌مهری به آن در محافل ادبی شده است. شرح و تحلیل بیشتر ادعیه و مناجات‌ها و زیارتنامه‌ها،

بر عنصر فکری و واکاوی دینی و عرفانی متمرکزاند. سهم ادبیات، ساختار و شکل اما؛ در این آثار ناچیز است. در واقع بررسی شکلی و ساختاری متون اسلامی پیش گفته، به صورت یک جریان درنیامده است. این نوشتار کوششی است برای بررسی زیارت نامه به مثابه یک گونه ادبی با تأکید بر زیارت آل یاسین.

درباره پیشینه بحث باید گفت: با وجود فراوانی منابع در زمینه انواع ادبی اعم از کتاب و مقاله، بررسی منابع فارسی و عربی نشان داد درباره گونه شناسی زیارت، تحقیقی خاص انجام نشده است.

پرسش های تحقیق نیز از این قرار است: مهم ترین پرسش های مقاله حاضر عبارتند از: آیا زیارت یک گونه ادبی تلقی می شود؛ چرا؟ زیارت آل یاسین زیر شاخه کدامین گونه ادبی است؛ غنایی، روایی، هجایی، حماسی یا تعلیمی؟ مؤلفه های هریک از گونه های یاد شده در این زیارت کدامند؟ جلوه های انواع ادبی در این زیارت کدامند؟

## مفهوم شناسی زیارت و معرفی زیارت آل یاسین

### ۱. زیارت در لغت و اصطلاح

«زیارت» در لغت به معنای قصد زیارت شونده و شتافتن به دیدار اوست. در لغت آمده است:

الزَّوْرُ يَدُلُّ عَلَى الْمِيلِ وَالْعَدُولِ. زَوَّرَ الشَّيْءُ فِي نَفْسِهِ: هَيَّأَهُ، لِأَنَّهُ يَعْدِلُ بِهِ عَنْ طَرِيقَةٍ تَكُونُ أَقْرَبَ إِلَى قَبُولِ السَّامِعِ. الزَّائِرُ إِذَا زَارَكَ فَقَدْ عَدَلَ عَنْ غَيْرِكَ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۳۶)؛ «زور» به میل و عدول دلالت می کند. «زور الشیء فی نفسه» یعنی چیزی را نزد خود آماده کرد. زیرا او را به راهی مقبول تر نزد شنونده سوق می دهد. زائر هنگام دیدار با شما از دیگران روی می گرداند.

در الطراز الأول آمده:

زَارَهُ: قَصَدَ لِقَاءَهُ إِكْرَامًا لَهُ (سید علی خان مدنی، ۱۳۸۴ش: ج ۸، ۵۵)؛ «زاره» یعنی به منظور تکریم و احترام کسی، قصد دیدار او نمود.

درفرهنگ دینی، «زیارت» به معنای حضور نزد قبور پیامبران و امامان و بزرگان دین همراه با اکرام و تجلیل آنها و رعایت آداب خاص است. (الشهید الأول، ۱۴۱۰ق: ۱)

## ۲. معرفی زیارت آل یاسین

زیارت آل یاسین، یکی از زیارت‌های مشهور حضرت مهدی عجک الله تعالی ورحمه الله، دوازدهمین امام شیعیان است. نخستین مصدر این زیارت، کتاب *الاحتجاج* اثر ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (متوفای ۵۸۸ق) است که آن را از ابوجعفر محمد بن عبدالله بن جعفر بن الحسین بن مالک بن جامع الحمیری القمی (متوفای ۳۰۰ق) نقل می‌کند. (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۹۳)

این زیارت با سلام به حضرت مهدی عجک الله تعالی ورحمه الله، و برشمردن صفات ایشان آغاز می‌شود. سپس با گواهی به این که دوازده امام، حجت خداوند و نیز حقانیت آخرت و مواقف حشر ادامه می‌یابد. حسن ختام زیارت، اعلام یاری و موّدت به امام است. یکی از مهم‌ترین حقایق معنوی این زیارت آن است که آن حضرت، مظهر و حامل اسم «الله»، وعده حتمی خداوند و راه ورود به کتاب خداوند می‌باشد.

### ارتباط طولی و عرضی زیارت آل یاسین

کشف نظم و ساختار هندسی یک متن به درک بهتر آن می‌انجامد. تار و پود متن، تابع روابط افقی و عمودی عناصر متنی است، مانند تار و پود یک قالی. این ارتباط در زیارت آل یاسین به شکل زیر است:

#### ۱. ارتباط طولی

زیارت آل یاسین یک متن دارای انسجام و وحدت موضوعی است. خواننده آل یاسین خود را زائر و در پیشگاه امام می‌داند. آغاز هر دیدار سلام است. از این رو با هدف برقراری ارتباط قلبی و روحی با امام و شناخت ایشان، زیارت با سلام‌های پیاپی آغاز شده است، که این در نوع خود یک حسن مطلع است.

سلام: در فقره اول زیارت بخش سلام خدمت بقیة الله است که با عبارت «سَلَامٌ عَلَی آلِ یس» آغاز می‌شود.

شهادت به عقاید و اصول شریعت: ابتدای آن «أَشْهَدُکَ یا مولای اُنّی أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» می‌باشد.

ملاک سعادت و شقاوت: «یا مولای شقی من خالفکم، وسعد من أطاعکم»  
اعلام موالات و تجدید بیعت با امام زمان عجک الله تعالی ورحمه الله: «وَنَفْسِی مُؤْمِنَةٌ بِاللّهِ... وَنُصْرَتِی مُعَدَّةٌ

لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةً لَّكُمْ».

یکی از هدف‌های زیارت هویت بخشی به زائر است. این زیارت شروع عاطفی دارد؛ تا پیوند قلبی برقرار گردد. پس از آن زائر آماده درک حقایق، به عقاید و اصول دین شهادت می‌دهد. سپس یک ملاک برای سعادت انسان معرفی می‌کند که باب الله بودن حضرات معصومین است. اکنون زائر هویتی نو یافته؛ زیرا ضمن اعلام خدا باوری، با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تجدید عهد می‌نماید.

برابر متن زیارت، امام عجل الله تعالی فرجه الشریف راهنمای انسان به مقصد اعلاّی توحید است. و نکته جالب توجه این است که برخلاف معمول مباحث کلامی که از شناخت خدا شروع می‌شود، در این زیارت انسان از شناخت امام به خدا می‌رسد: «السلام عليك يا داعي الله»

|                                                                                              |                                       |
|----------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------|
| سَلَامٌ عَلَى آلِ يَس، السّلام عليك يا داعي الله ورباني آياته... السّلام عليك بجوامع السّلام | سلام به خاندان رسالت و امام           |
| أشهدك يا مولاي أنني أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له...                               | شهادت زائر به اصول عقاید اسلام و مذهب |
| شقي من خالفكم، وسعد من أطاعكم                                                                | معیار سعادت و شقاوت                   |
| ونفسي مؤمنة بالله... ونُصرتي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ                  | اعلام خدا باوری و تجدید عهد با امام   |

## ۲. ارتباط عرضی

هریک از عناصر چهارگانه طولی با درون مایه‌ای از ایده‌های اصلی و فرعی متن سامان یافته است. در فراز نخست، سلام «سلام علی آل یاسین... السلام عليك بجوامع السلام» درآمد زیارت است، زائر را با امام و اوصاف ایشان آشنا می‌کند و ضمن انگیزختن عواطف، زائر را برای فرازهای بعد آماده می‌نماید. در مجموع ۲۳ سلام مختلف به امام در سه محور اهدا می‌شود:

الف) ویژگی‌های امام (امام شناسی)

در این اوصاف، از یک سو مقام امام نزد خداوند متعال تبیین می‌شود و از سوی دیگر جایگاه ایشان در ارتباط با امت روشن می‌شود.

ب) بندگی امام در پیشگاه خداوند

این مهم را در سلام به امام در حالت‌های گوناگون عبادت می‌بینیم:

السلام عليك حين تقوم، السلام عليك حين تقعد....

#### ج) پیوند همیشگی با امام

سلام‌های زائر در بستر زمان جاری است. پیشکش سلام به امام در اوقات گوناگون روز و شب نشان از ضرورت پیوند همیشگی با امام دارد:

السلام عليك حين تصيح و تقسى، السلام عليك في الليل إذا يغشى، والنهار إذا تجلّى. فراز بعد، تبیین عقاید حقه شیعیان در قالب شهادت است به دیگر سخن اصول دین را یادآور می‌شود. این بخش با عبارت «أشهدك يا مولای أنى أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له» آغاز می‌شود و در عبارات بعد یک دوره اجمالی عقاید شامل توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد مطرح می‌شود. از همه برجسته‌تر تأکید به امامان معصوم عليهم السلام به عنوان حجت الله می‌باشد. در این بخش امامان را نام می‌برد و پس از اقرار به توحید و نبوت، ایمان قلبی را به امامت آن بزرگواران ابراز می‌دارد. هم چنین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر عقاید خود شاهد می‌گیرد. این بخش با عبارت «أشهدك يا مولای» آغاز و با عبارت «فاشهد على ما أشهدتك عليه» خاتمه می‌یابد.

در فراز بعد، زیارت رمزستگاری و خوشبختی، و مخالفت با اهل بیت ملاک تیره‌بختی و نگون‌سازی انسان است: «يا مولای! شقى من خالفكم، وسعد من أطاعكم». رستگاری تنها در گرو ولایت‌مداری اهل بیت است.

در فراز پایانی جمله «نفسى مؤمنة بالله» زائر به آنچه گفته آمد بسنده نمی‌کند؛ بلکه با امام تجدید عهد نموده و دوباره، توحید نبوت و امامت را طرح می‌کند. در پرتو این عناصر فکری چنین به نظر می‌رسد زیارت آل یاسین دارای دو جنبه غنایی و تعلیمی است. در ادامه به شواهد این دو گونه در زیارت می‌پردازیم.

#### جلوه‌های غنایی در زیارت آل یاسین

زیارت آل یاسین، قصه شوق و شرح پریشانی شیفتگان امام منتظر است. از این رو با عنصر عاطفه درآمیخته است. خواننده این زیارت، عواطف خود نسبت امام را در فرازهای دعا نشان می‌دهد.

نگاهی به فرازهای این زیارت از حضور عناصر غنایی ذیل در آن حکایت دارد:

#### ۱. خدا

هدف همه مناسک و شعائر الهی، سیرالی الله و تقرب به اوست. گرچه این زیارت

خطاب به امام غایب است، اما آن حضرت نه منتهای سیرزائر؛ بلکه نقطه آغاز است، آغازی شورانگیز و پایانی فرخنده، دلیل این امر را در اوصافی همچون «داعی»، «ربانی»، «میثاق» و «باب» می‌یابیم که همگی به لفظ جلاله مضاف‌اند: «السلام علیک یا داعی الله وربانی آیاته، السلام علیک یا میثاق الله الذی أخذہ و وکّده، السلام علیک یا باب الله». در این جمله‌ها زائر، امام را می‌خواند تا او را به آستان حضرت دوست رهنمون شود. حتی توجه زائربه آن امام در اوج عبودیت یعنی در حال نماز، از خدامحوری در ولایت نشان دارد. در این زیارت کوتاه بسامد لفظ جلاله «الله» ۱۱ مرتبه و ضمایر عائد به آن ۲۷ ضمیر است که و در مجموع ۳۸ مرتبه به صورت صریح و ضمنی تکرار شده است.

## ۲. انسان

حضور عنصر انسانی در این زیارت به عنوان یک از سه ضلع اصلی خدا، امام و انسان، روشن است. او دو نقش ایفا می‌کند: انسانِ امام، مقتدا و منتظر، و انسانِ زائر، مقتدی، و منتظر. زائر خود را در پیشگاه خدا و ولی او حاضر می‌بیند. این جا انسان چشم انتظار، مالا مال از امید است و با هر گونه انفعال بیگانه، پیوسته می‌کوشد پیوند خود را با امام تحکیم کند. حضور امام و زائربه پهنای زمان است و به گستره مکان، و زائرنه ایستایی می‌شناسد و نه قرار؛ از این رو زمزمه می‌کند: «السَّلَامُ عَلَیْكَ فِی اللَّیْلِ إِذَا یَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» و یا چنین سلام می‌دهد: «السَّلَامُ عَلَیْكَ فِی آنَاءِ لَیْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ» هم چنین حضور امام از سلام آغازین تا واپسین فرازهای زیارت، آسیایه جان رمیده انسان در غربتکده دنیا است. اشاره به اوصاف آن حضرت تأکیدی بر جنبه غنایی زیارت است. پیوند دمدام با آن حضرت و یاد ایشان در تمام حالات، در وجود زائر پویایی و حرکت برمی‌انگیزد تا آن جا که می‌توان گفت: زیارت چشمه ساری است روان در بستر زمان.

## ۳. عاطفه

عاطفه، فصل مشترک همه تعریف‌های ادبیات غنایی است. صفا در این مورد می‌گوید:

غرض و غایت شعر غنایی توصیف عواطف و نفسانیات فرد است و تمام عواطف نفسانی بشر از هر نوع که باشد موضوع آن است. (صفا، ۱۳۸۷ ش: ۷)

سید قطب «تجربه عاطفی را عنصری می‌داند که به بیان درآید». (السید قطب، ۱۴۳۳ق: ۱۱) از نظر او در تجربه عاطفی سه ویژگی به چشم می‌آید: ۱. خصوصی بودن عاطفه: یعنی هر کس برای خود یک عاطفه خاص داشته باشد که تقلیدی از دیگران نباشد؛ ۲. عمق و گستره عاطفه در ارتباط با عالم حیات: هر چه این پیوند عمیق‌تر، و تأثیر فرد بیشتر باشد، عاطفه ارزشمندتر خواهد بود؛ ۳. صدق عاطفه: منظور صداقت اخلاقی نیست، بلکه منظور واقعی بودن است و این‌که مثل عاطفه مدایح و مراثی درباری و فرمایشی نباشد. (همان: ۲۰-۳۹)

به عبارت دیگر «عاطفه یا احساس، زمینه درونی و معنوی شعراست، به اعتبار کیفیت برخورد شاعر با جهان خارج و حوادث پیرامونش». (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳ش: ۸۷) عیار صدق عاطفه در اثر هنری با میزان تأثیرپذیری ادیب از محرک‌های بیرونی رابطه مستقیم دارد. عاطفه یک نیروی محرک است که فرد را از لاک حسی و باطنی، بیرون می‌آورد در رفتار، کردار و گفتار و باور فرد نمایان می‌شود. ارزش و قوت و صدق عاطفه از همین امر دریافت می‌شود.

زیارت آل یاسین، جلوه‌گاه عواطف راستین، و دیرینه ارادتمندان امام منتظر است. نکته برجسته در بررسی عنصر عاطفه در این زیارت آن است که عواطف و احساسات پاک زائر جوششی کور نیست که به سردی گراید بلکه باب معرفت است به گونه‌ای که زائر در پایان دعا به حقایق و معارف دین و ولایت مداری نسبت به امام اقرار می‌نماید. برجسته‌ترین جلوه‌های این عواطف روح‌فزا عبارتند از: غربت و تنهایی، اشتیاق، محبت، امید، و خوف و رجاء که در ذیل نگاهی گذرا به آن خواهیم داشت:

#### الف) غربت

زیارت فریاد برخاسته از غم تنهایی و غربت زائر است. تا حس غربت به انسان دست ندهد، رو به زیارت نمی‌نهد. بنابراین زیارت به خودی خود نشانه حس غربت و دل‌تنگی است.

فراز نخست زیارت آل یاسین، حس غربت انسان را تجسم و تعمیق می‌بخشد. زیارت با سلام به خاندان پیامبر ﷺ «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَسٍ» آغاز می‌شود. سپس زائر به طور خاص دروذهای پیاپی خود را نثار ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌نماید تا با ارتباط با ایشان از وحشت

غربت برهد. بیست و سه سلام پی در پی در آغاز زیارت، نشانگر احساس راستین غربت و زخم عمیق تنهایی، و آغاز پیوند با ولی الله الاعظم است. درون مایه سلام‌ها پرده از عمق جراحت جدایی و سنگینی بار غربت برمی‌دارد.

#### ب) اشتیاق

اشتیاق به دیدار امام منتظر از نشانه‌های دوست‌داران ایشان است. بیست و سه سلام آغازین نشان از اشتیاق فزاینده منتظران به آن امام است، و جوشی پرشور در ذوق می‌نهد زیرا با هر سلام شوق زائر افزون می‌گردد، تا این که در پایان می‌گوید «السَّلامُ عَلَیْكَ بِجَوَامِعِ السَّلامِ» یعنی در تمام زمان‌ها و مکان‌ها این اشتیاق در من خواهد بود. شوق، گونه‌ای حرکت و سیر در انسان پدید می‌آورد که زائر را صبح و شام با امام همراه می‌سازد «السَّلامُ عَلَیْكَ حِينَ تُمْسِي وَتُصْبِحُ، السَّلامُ عَلَیْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالتَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى». به نظر می‌رسد راز این همگامی، اعلام اطاعت است و آیه شریفه «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُتُورًا»<sup>۱</sup> (کهف: ۲۸) را یادآور می‌شود. در گام بعد، اشتیاق به یک هویت ایمانی و عقیدتی بدل می‌شود؛ به گونه‌ای که زائری به عقاید حقه در باب اصول دین از توحید تا معاد گواهی می‌دهد.

#### ج) محبت

محبت در ادب اسلامی، صبغه‌ای الهی دارد و از افق حس و ماده فراتر است. محبت به امام در امتداد محبت و اطاعت محض الهی تفسیر می‌شود و امام راهنمای پویندگان سبل سلام بدان مقصد عالی است:

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۲</sup>  
(آل عمران: ۳۱)

محبت به خدا و امام و اطاعت از آنها در همه فرازهای زیارت مشهود است. نگاهی به

۱. و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند شکیبایی پیشه کن و دو دیده‌ات را از آنان برگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده‌روی است اطاعت مکن.

۲. بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوست‌تان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد و خداوند آمرزنده مهربان است.

ترکیب‌های اضافی منتهی به لفظ جلاله همچون: داعی الله، باب الله، خلیفه الله و...، شاهی برای مدعاست.

ذکر نام و صفات مختلف امام، نیز نشانه محبت زائر است، او با محبوب به وحدت می‌رسد و چنین زمزمه می‌کند:

أَنَا وَلِيَّكَ بَرِيءٌ مِّنْ عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخَطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَتَنَفَّسْ - مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِأَيِّمَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَأَحْرَكُمْ وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَّكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَّكُمْ.

اکنون فضای زیارت سرشار از عطر حضور و آکنده از وحدت و پویایی و زندگی است.

(د) امید

انتظار همزاد امید است و هر یک نشان از دیگری می‌دهد. توصیه‌ها و وعده‌های معصومان علیهم‌السلام در قالب‌ها و مناسبت‌های مختلف، حاکی از این است که شاید بیم نومی‌دی منتظران را بر باید؛ از این رو با دمیدن روح انتظار، راه بر نومی‌دی بسته‌اند. بنابراین یکی از کارکردهای عاطفی این زیارت، زنده نگاه داشتن ایمان و امید به ظهور امام غایب است. فرازهای این زیارت، نور امید را در شب فرقت یار روشن نگه می‌دارد؛ مانند:

#### ۱. صفات امیدبخش

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي صَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعَزُوثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعْدًا غَيْرَ مَكْدُوبٍ» درونمایه این ترکیب‌ها، جانمایه امیدواری است. تأمل در مفهوم بقیه‌الله، با قید «فی أرضه» پیمان و وعده حتمی خدا، پرچم همیشه برافراشته، فریاد رس، رحمت فراگیر، وعده تخلف‌ناپذیر، مایه امید است.

#### ۲. واژگان خطابی

با توجه به این که زیارت عرض حال است یکی از مختصه‌های سبک شناختی آن، اسلوب خطاب است. کاربرد واژگان خطابی همچون افعال مضارع و ضمایر مخاطب، با دلالت به حضور همواره منجی موعود، به زائر امید می‌بخشند: تقوم و تقعد، تقرأ و تبین، تصلی و تقنت، ترکع و تسجد، تهلل و تکبر، تحمد و تستغفر، تصبح و تمسی، السلام

عليك في الليل إذا يغشى، والنهار إذا تجلّى. از دیگر سوی شمول زمانی سلام‌ها «لیل و نهار، آناء اللیل، أطراف النهار» نیز حاکی از پیوستگی جریان امید در بستر زمان است. نکته قانونی در این خطاب‌ها، حضور، حیات و اشراف امام بر حال زائر است. وبه لطف این اسلوب زائر خود را در پیشگاه محبوب می‌بیند. ندای مکرر امام، برداشتن فاصله‌ها میان عاشق و معشوق است. گویا با هر خطاب و سلام، زائر یک گام به مولای خود نزدیک‌تر می‌شود.

### ۳. گواه گرفتن امام موعود

در سه موضع با عبارات ذیل است: «أشهدك يا مولای» و «فاشهد علی ما أشهدتك علیه» لازمه گواه، حضور و اشراف شاهد است. او در لحظه رخداد هرامری، حضوری آگاهانه دارد، و هیچ چیز از دید او پنهان نیست. کاربرد فعل مضارع در عبارت «أشهدك يا مولای» نشان از گواهی و حضور پیوسته امام است.

### ۴. اعلام آمادگی برای یاری امام

در واپسین فرازها، زائر ارادمندی خود به امام را اعلام می‌کند: «وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ» لازمه این اعلام، وجود امید راستین در دل زائر است.

### هـ) خوف و رجاء

در فراز میانی زیارت آن جا که سخن از اصل معاد است، زائر خوف و رجاء را تجربه می‌کند. با تصویر مواقف آخرت و ترسیم سیمای بی‌ایمان زیان‌کار، فضایی سنگین از تهدید و ترس ایجاد می‌شود:

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتِ حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ، وَالْمِيزَانَ وَالْحِسَابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِمَا حَقٌّ.

سخن از مرگ و مواقف پس از آن در جمله‌های پرشمار با فواصل کوتاه و ضرب‌آهنگ کوبنده دو حرف حلقی حاء و قاف در کلمه «حق» هولناکی فضا و راستی این آموزه‌ها را دامن می‌زند. بدین سان خواننده در هر عبارت خویش را در موقعیتی دهشتناک می‌بیند.

### عناصر ادبی

ادبیات رستاخیز اندیشه و بیان دلکش و فکرت‌انگیز از زندگی است، که نقاب از

رخسار شاهد معانی برمی کشد. آمیزه‌ای است از خرد ناب و زلال عاطفه، و به شخصیت ها، ورخداها در بسترزمان و مکان، رنگ می‌بخشد. زیارت به مثابه یکی از آفرینش‌های ادبیات آیینی، ویژگی‌های ادبی خاص دارد. ذیلاً برخی از جلوه‌های ادبی زیارت را بررسی می‌کنیم.

### ۱. انسجام واژگانی

از آغاز زیارت خواننده با یک انسجام واژگانی (مراعات النظیر) آگاهانه و هدفدار پیش می‌رود. این انسجام در تعمیق اثر دعا نقشی برجسته دارد. برخی جلوه‌های این انسجام عبارتند از:

#### الف) انسجام واژگانی در بخش سلام‌ها

این انسجام را در جدول زیر به روشنی می‌بینیم:

| موصوف | بقیة الله | میثاق الله | وعد الله | وعداً     | العلم   | العلم   |
|-------|-----------|------------|----------|-----------|---------|---------|
| صفت   | فی أرضه   | أخذه، وکده | ضمنه     | غیر مکذوب | المنصوب | المصبوب |

اوصاف ضمن تناسب با موصوف، حضور امام و حتمیت وعده الهی را به تعبیر مختلف تأکید می‌کند.

#### ب) انسجام واژگانی در بخش بیان اعتقادات

سیر اعتقادات با ترتیب از توحید و نبوت و امامت و مهدویت و رجعت و مرگ و مراحل پس از آن (ناکرو نکیر تا الوعد والوعید) حتمیت مرگ و جهان پس از آن را در جان تثبیت می‌کند.

### ۲. تقابل و تضاد

در عبارت‌های زیر تقابل و تضاد واژگانی را شاهدیم: «یا مَوْلای شَقِیِّ مَنْ خَالَفَکُمْ، وَسَعَدَ مَنْ أَطَاعَکُمْ» و «فَالْحَقُّ مَا رَضِیتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخَطْتُمُوهُ» و «الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْکَرُ مَا نَهَیْتُمْ عَنْهُ فَتَنْفِسی مُؤْمِنَةٌ». این تقابل و تضاد در فرازهای پایانی آمده آن جا که زائره‌ویت فکری و اعتقادی صحیح کسب کرده است.

### ۳. خروج کلام از مقتضای ظاهر

در عبارت «أَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ وَالْحِسَابَ

حَقُّ» تأکیدهای این فراز دعا، نشان از خروج از مقتضای ظاهر دارد. زائر مؤمن اهل یقین، خود را به منزله پرسشگری جوینده حقیقت قرار داده تا حقانیت مفاهیم زیارت را تأکید کند. در همین راستا ساختار مضارع دال بر زمان حال با ساختار متکلم وحده «أشهد» (اول شخص مفرد) گویای باور راستین زائر است.

#### ۴. اطناب

زیارت از جمله موقعیت‌های مقتضی اطناب است، زیرا زائر با قصد، آگاهی و شوق رو سوی مزور می‌کند. در زیارت مورد بحث نیز جلوه‌های اطناب توجه را به خود معطوف می‌سازد:

##### الف) ذکر خاص بعد عام

هدف از این شگرد، برجسته‌سازی خاص است:

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَس، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ خَلْقِهِ.

زائر در این فراز پس از سلام به خاندان پیامبر ﷺ، امام منتظر را به طور خاص خطاب می‌کند و بدین ترتیب توجه خود را با ایشان معطوف می‌نماید. در ضمن شگرد ذکر خاص بعد از عام گویای آن است که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عصاره همه خاندان رسالت است.

##### ب) ذکر عام بعد خاص

هدف از این شگرد در بر گرفتن تمام افراد و توجه مجدد به آنها در کنار سایرین است؛ مانند قسمت پایانی بخش غنایی زیارت: «...السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ» در آخرین سلام به گونه‌ای از کلمه عام استفاده شده که همه زمان‌ها و مکان‌ها و حالت‌ها را در بر می‌گیرد. تا پیش از این، سلام محدود به حالت‌های مختلف مثل قعود و قیام و صفات خاص امام بود، اما به نظر می‌رسد واپسین سلام ضمن شمول همه سلام‌ها، این نکته را یادآور می‌شود که غفلت از مقتدای پرده‌نشین، زینده زائر نیست؛ چرا که عاشق دمی از یاد محبوب جدا نمی‌شود.

#### ۵. تکرار

تکرار در ادبیات به دو گونه است: ۱. تکرار مفهوم؛ ۲. تکرار لفظ. انگیزه‌های تکرار

عبارتند از: تأکید و تثبیت پیام در ذهن، ترغیب و تشویق، ستایش، ارشاد و التذاذ با نام محبوب. که در ذیل به آن اشاره می‌گردد.

#### الف) تکرار لفظی

تکرار یکی از تجلی‌گاه‌های پیوند ادبیت و جنبه تعلیمی اثر است. تثبیت آموزه‌ها با تکرار میسر می‌گردد. از این روانگیزه تکرار در زیارت تثبیت آموزه‌های متن است. جلوه‌های تکرار لفظی در این زیارت از لایه حرف تا جمله پیش رفته است.

#### ب) تکرار مفهومی

مقصود از تکرار مفهومی، برجسته‌سازی یک اندیشه، یا جلوه بخشیدن به جنبه‌ای از يك تفکر است. در این زیارت مقوله توحید در قسمت غنایی و در قسمت تعلیمی با بیان‌ها و عبارات مختلفی تکرار شده است. همچنین است مقوله ولایت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) که هم به عنوان یکی از ارکان دین، و هم به عنوان ملاک سعادت و شقاوت، حق و باطل و امر به معروف و نهی از منکر به آن اشاره شده است.

#### ۶. زمان

رسم رایج، روایت رخدادها از گذشته به حال و آینده است. اما اثر ادبی که در صدد رساندن پیام به مخاطب است، بیش از وابستگی به زنجیره رخدادها، پیرو مقتضیات پیام است. از این رو مرزهای زمان را در هم می‌ریزد. در این زیارت از یک سو با زمان پیوسته رو به رو هستیم:

السلام عليك حين تقوم السلام عليك حين تقعد السلام عليك حين تقرأ وتبين السلام عليك حين تصلی وتقنت السلام عليك حين تركع وتسجد ....

هر یک از سلام‌ها به زمان فعل باز می‌گردد. از دیگر سوی، زمان دلالت‌های نسبی دارد:

السلام عليك يا ميثاق الله الذي أخذہ و كده، السلام عليك يا وعد الله الذي ضمنه.

در این نوع، زمان رخداد تنها از روی لفظ دریافت نمی‌شود، بلکه زمان گذشته تنها آغاز رخداد را نشان می‌دهد، اما رویداد در آینده نیز جاری خواهد بود. در نمونه‌ای دیگر از دلالت نسبی زمان می‌خوانیم:

يا مولای! شق من خالفكم وسعد من أطاعكم.

گاه در مقام دعا، مرزهای درهم شکسته مضمون را به ابدیت گره می‌زنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى.

نظربه این که روز و شب نشان گذر زمان هستند. در واقع، این سلامی بی پایان در گذر زمان است.

## ۷. گفتگو

گفتگو در زیارت، مانند مناجات یک سویه و بی پاسخ است، زیرا درون مایه زیارت، حسب حال زائر و عرض ارادت و عقاید اوست. گفت وگو، آینه تمام نمای شخصیت، اندیشه، روحیات، عواطف و سلايق گوینده است. مثلاً گواه گرفتن امام در این زیارت، بیانگر باورمندی و ایمان زائر است.

## ۸. وصف

زیارت زمزمه ای سرشار از وصف انسان است در پیشگاه پروردگار و اولیای الهی. زائر، احساس، آرزوها، خواسته ها، اشتیاق و نگرانی های خود را از گذشته و آینده به تصویر می کشد؛ گاه حسی و بیرونی و گاه انتزاعی و درونی.

### الف) وصف بیرونی

همان اوصاف حسی است مانند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ» و «السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ...». این وصف ظاهری نیز بی ربط با جنبه معنوی نیست در حقیقت شاهی برای وصف معنوی است. به خصائص معنوی عینیت می بخشد و حضور موصوف را یک حقیقت انکارناپذیر نشان می دهد. افزون بر این، پیوند روحی مشتاقان با امام را تقویت می کند.

### ب) وصف درونی

فرازهایی مانند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعْدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ.

ناظر به ویژگی های معنوی و بُعد ملکوتی امام و ارتباط ایشان با پروردگار است. این اوصاف دربردارنده آموزه های امام شناسی برای مشتاقان است. در کنار اوصاف بیرونی و حسی امام را به مثابه الگوی تمام عیار در زندگی مادی و معنوی معرفی می نماید.

همان گونه که مشهود است در این اوصاف از یک سو امام به منزله بنده خداوند و از دیگر سو به عنوان مظهر لطف و رحمت او معرفی می شود.

## ۹. صور خیال

عنصر تصویر در ادبیات، خواننده را تا بلندای حقیقت می برد. نکته چشم گیر در این زیارت آن است که متن صور خیال در زیارت چندان نیست. زیرا از یک سو هدف، خواننده عام است و از سوی دیگری از مختصه های سبک شناختی متون دینی، کاربرد آگاهانه و واقعی شگردهای ادبی است. از این رو کاربرد آرایه های گوناگون، تابعی از این ویژگی اند. در این جا سخن از زبان زائر باورمند به این آموزه هاست؛ در چنین شرایطی نیاز به تقریب مفاهیم با صور خیال نیست. از دیگر سوی ادبیت یک اثر تنها و امدار صور خیال نیست بلکه نظم، ساختار، موسیقی، و غیره در بلاغت سهیم اند. از این رو کاربرد عنصر تصویر در زیارت، به معنا بستگی دارد. ذیلا به برخی از آرایه های ادبی زیارت اشاره می گردد:

### الف) مجاز

در عبارت «أشهد أَنَّ النَّارَ حَقٌّ» در لفظ «النار» مجاز مرسل به علاقه حالیه است؛ بدین ترتیب که مراد از «نار» جهنم است و از این لفظ اراده حال و محل را کرده است. این گونه فضا سازی همه عذاب های دوزخ را به صورت آتش یکپارچه فراگیر نشان می دهد.

### ب) استعاره

ادبیات با استعاره بر سپهر زیبای معرفت، گلبانگ سربلندی زد. آفرینش جهانی زنده و سیال با استعاره به معنا جان می بخشد. در عبارت: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ» العلم المنصوب تصویری استعاری (مصرحه) از امام به نمایش می گذارد. امام در شهرت و علمیت و راهنمایی، پرچمی برافراشته را مانده است که رهروان طریق را نشان راه است. میز دلالت کلمه المنصوب درباره امام تأکیدی است بر الهی بودن منصب امامت.

نیز در عبارت «يَا مَوْلَايَ! شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَ، وَسَعِيدٌ مَنْ أَطَاعَكَ» استعاره تبعیه در دو فعل «شَقِيٌّ» و «سَعِيدٌ» زیبایی و دلالتی منحصر به فرد به عبارت داده است. شقاوت و سعادت در آینده به سعادت و شقاوت در گذشته تشبیه شده اند. جامع استعاره تحقق

وقوع سعادت و شقاوت در هر دو زمان است. استعاره این چنین، فراخنایی بی کرانه از زمان برای سعادت و شقاوت پدید آورده است. افزون بر این بیان سعادت و شقاوت با فعل ماضی تحقق وقوع و تردید زدایی را نشان می دهد. با تیغ آخته زمان گذشته، رشته های شوم شک و تردید را از وجود زائر می گسلد.

## ادبیات تعلیمی در زیارت آل یاسین

### ۱. عنصر فکری

از لحاظ فکری زیات دربردارنده آموزه های ناب دینی است. در زیارت مورد بحث، معارف مذهب تشیع همچون اصول دین، بیان معیار سعادت و شقاوت، بیان میزان حق و باطل و معروف و منکر آمده است. در ذیل به مهم ترین بخش های زیارت آل یاسین اشاره می کنیم:

۱. سلام و درود به حضرت؛ ۲. شهادت به عقاید حقه شیعه و گواه گرفتن امام بر این عقاید؛ ۳. ملاک سعادت و شقاوت ابدی؛ ۴. تجدید بیعت با امام. در این قسمت زیارت از لحن غنایی فاصله گرفته و تنها صبغه ادب تعلیمی در آن به چشم می آید. اهم آموزه های دینی در این زیارت عبارتند از:

#### الف) اصول دین

بارزترین آموزه در قسمت تعلیمی این زیارت امام شناسی در پرتو توحید و دیگر اصول و آموزه های دین است به گونه ای که در کنار امامت به اصول مذهب تشیع یعنی توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد اشاره شده است. محوریت امام در امور مربوط به سعادت و شقاوت، معروف و منکر و باطل و حق نشان از اهمیت به سزای اصل امامت در این زیارت دارد.

#### ۱. توحید

زیارت آل یاسین از مهم ترین عنصر ادبیات دینی یعنی خدامحوری آکنده است. مفهوم توحید در لفظ به صورت مستقیم، و در معنا به صورت غیرمستقیم دیده می شود. شهادت به توحید، و ربط مسئله امامت و ولایت به خدا از رهگذر تراکیب اضافی منتهی به لفظ جلاله، تصویر امام در حال ادای مراحل مختلف نماز، و تلاوت کتاب الله وصف پیامبر به منزله رسول الله و توصیف ائمه علیهم السلام به مثابه حجت های الهی، و اعلام ایمان به

خدای واحد، همگی گویای اندیشه والای توحید در این زیارتند. حضور اندیشه توحیدی در این زیارت نشان از آن دارد که توحید در ذره ذره وجود موج می‌زند و در هر حال و هر نفس و هر مقام، اولین شرط بندگی است. ضمن این که توحید محوری موارد پیش گفته، پاسخی است به شبهه شرک‌آلودگی زیارت و توسل به معصومین و اولیای الهی؛ زیرا چگونه ممکن است کسی را عبادت کرد که خود عبد پروردگاری یکتا و تواناست؟!

## ۲. نبوت

به عنوان دومین اصل در زیارت مطرح است: «أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ».

## ۳. امامت

شهادت به امامت یک یک امامان در بردارنده چند نکته تعلیمی است: نخست، معرفی اوصیای پیامبر تا مدعیان امامت از نیل به اهداف شوم خود در بمانند. چنان که پیامبر اکرم در حدیثی به جابر بن عبدالله همه امامان را معرفی فرمودند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۱، ۲۸۲) دوم، پذیرش ولایت همه آن بزرگواران. سوم، کاربرد اسلوب خطاب در شهادت به ولایت امام منتظر که از یک سو به حیات امام اشاره دارد و از سوی دیگر به حضور زائر در پیشگاه ایشان. چهارم، تداوم امامت. در نهج البلاغه آمده است:

أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ صَ كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ. (الشریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۱۱۴)

شایان ذکر است که برجسته‌ترین آموزه زیارت آل یاسین درباره امامت، محوریت امام در شناخت سعادت و شقاوت، حق و باطل، و معروف و منکر است. عبارات ذیل گویای این آموزه‌اند: «يَا مَوْلَايَ شَقِيَ مَنْ خَالَفَكَ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ» و «فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ» و «الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ».

## ۴. معاد

اصل معاد پس از اقرار به ولایت و امامت اهل بیت علیهم‌السلام آمده است. مسئله مرگ و چشم‌انداز جهان آخرت با تأکید بر حقانیت همه آنها، جنبه تعلیمی، دارد «أَشْهَدُ أَنَّ

۱. آگاه باشید که مثل آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همچون مثل ستارگان آسمان است که هرگاه ستاره‌ای غروب کند، ستاره‌ای دیگر برآید.

النَّشْرَ حَقٌّ وَالْبَعَثَ حَقٌّ وَالْحَشَرَ حَقٌّ».

## ۵. عدل

اعتقاد به عدل از امتیازات مذهب تشیع است. اشاره به اصل عدل در زیارت آل یاسین به صورت ضمنی است. توضیح آن که برقراری نظام ثواب و عقاب و حساب و میزان نشان از عدل دارد.

## نتیجه گیری

نظر به درون مایه و ساختار منسجم زیارت می توان آن را از گونه غنایی و تعلیمی قلمداد نمود.

در بعد تعلیمی آموزه کانونی زیارت آل یاسین خدامحوری و ولایت محوری با تأکید بر امام عصر علیه السلام است.

تجربه عاطفی، در زائر حرکتی درونی، سبب می شود که به اعتراف و اقرار به ارکان دین می انجامد. نقطه پایانی این سیر، تقرب به خدا از مسیر امام است؛ همو که خلیفه خدا، ترجمان کتاب الهی، و معیار حق و باطل و معروف و منکر و سعادت و شقاوت است.

سیر زیارت با عاطفه آغاز می شود. پس از آمادگی روحی، عقاید و آموزه های دینی القا می شود. این عقاید به زائریک چارچوب فکری و نظام ارزشی می دهد. در مقام عمل این نظام ارزشی به صورت تجدید بیعت و اعلام آمادگی برای یاری امام تجلی می کند. در بُعد ادبی زبان زیارت ساده و بی تکلف است. در عین حال توصیفی دقیق از امام و زائریه دست می دهد.

مهم ترین مؤلفه های ادب غنایی مثل خدا، انسان، عشق، عاطفه و مرگ در این زیارت حضور دارند. نثر روان، عبارت های ساده، کوتاه و روشن، دور از تکلف و ابهام و صور خیال از نشانه های ادب تعلیمی در این زیارت اند.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن شهر آشوب مازندارنی، محمد علی (۱۳۷۹ ش)، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه، اول.

۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، عبدالسلام محمدبن هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، اول.
۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، *کامل الزیارات*، مصحح عبدالحسین امینی، نجف، دارالمرتضویه، اول.
۴. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، *المزار الکبیر*، مصحح جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۰۹ق.
۵. تودوروف و کنت و آخرون (۱۹۹۷م)، *القصة الرواية المؤلف، دراسات فی نظرية الأنواع الأدبية المعاصرة*، مترجم: خیری دوامة، قاهره، دار شرقیات.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۵ش)، *لغت نامه*، تهران، سیروس.
۷. رزمجو، حسین (۱۳۸۵ش)، *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، اول.
۸. سعدی، مصلح الدین (۱۳۸۹ش)، *کلیات سعدی*، مصحح: محمد علی فروغی، مشهد، آوای رعنا، اول.
۹. سید قطب (۱۴۳۳ق)، *النقد الادبی اصوله و مناهجه*، قم، ذوی القربی، اول.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳ش)، *ادوار شعر فارسی*، تهران، سخن.
۱۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲ش)، «انواع ادبی و شعر فارسی» *رشد آموزش ادب فارسی*، سال ۸، شماره ۳۲.
۱۲. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸ش)، *انواع ادبی*، ششم، تهران، فردوسی.
۱۳. شهید اول (۱۴۱۰ق)، *المزار*، قم، امام مهدی علیه السلام، اول.
۱۴. صفا، ذبیح الله (۱۳۸۷ش)، *حماسه سرایی در ایران*، تهران، امیرکبیر، اول.
۱۵. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج علی الاهل اللجاج*، مصحح: محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، اول.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتهجد*، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، اول.
۱۷. عثمان، عبدالکریم (۱۳۶۹ش)، *روان شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی*، مترجم: محمد باقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول.
۱۸. مدنی، سید علی خان (۱۳۸۴ش)، *الطراز الاول*، مشهد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

لاحياء التراث، اول.

۱۹. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار

احياء التراث العربی، دوم.

۲۰. مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۸۶ش)، کلیات دیوان شمس، مصحح: محمد

عباسی، تهران، طلوع، دوازدهم.

۲۱. وینسنت، سی (بی تا)، نظریه الأنواع الأدبية، مترجم: حسن عون، الإسكندرية، مطبعة

رویا.

۲۲. ادبیات تعلیمی و شعر تعلیمی چیست؟

23. <http://www.tebyan->

[zn.ir/Article/persian\\_literature/literature\\_variety/didactic\\_literature](http://zn.ir/Article/persian_literature/literature_variety/didactic_literature)